

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یادآوری کلام مرحوم محقق خوئی

بحث در فرمایش مرحوم محقق خوئی (قدس سره) بود. ایشان فرمودند: اگر در حین شک، مصلی خودش را بالفعل در نماز عصر بداند، قاعده‌ی تجاوز جریان پیدا می‌کند و در غیر این صورت، قاعده‌ی تجاوز جریان ندارد. خلاصه‌ی فرمایش ایشان این بود که اگر بخواهیم قاعده‌ی تجاوز را در شک در نیت عصریت جاری کنیم، مطلقاً فایده‌ای ندارد، چه این که شخص خودش را بالفعل فی صلاة العصر ببیند یا نه. اما فرمودند: بیان دیگر این است که قاعده‌ی تجاوز را در خود اجزاء سابقه جاری کنیم و نه در نیت عصریت. به این بیان که - این بیان در جلد 14 موسوعه‌ی ایشان است - بگوئیم کسی که بالفعل خودش را فی صلاة العصر می‌داند، شک می‌کند در اینکه اجزایی را که تا به حال آورده صحیح است یا نه؟ این اجزاء آیا به نیت العصر آمده یا نه؟ در این صورت، قاعده‌ی تجاوز جاری است. آن وقت، اگر کسی از ایشان سؤال کند مبنای شما در قاعده‌ی تجاوز این است که این قاعده فقط در شک در وجود جاری می‌شود، و روی این بیان، فرد یقین دارد که اجزاء سابقه را آورده است، پس چطور می‌فرماید قاعده‌ی تجاوز در اینجا جریان دارد؟

ایشان می‌فرمایند: درست است الآن که شخص شک می‌کند آیا اجزاء سابقه را به نیت العصر آورده یا نه؟ شک به حسب ظاهر و به حسب بدوی، شک فی صحة الموجود است، - آیا اجزاء صحیحاً موجود شده یا نه؟ - اما نظر ما این است که بازگشت شک در صحت به شک در وجود است. و می‌فرمایند: اینکه مرحوم سیّد، در متن، در مسئله‌ی نوزدهم فرمودند «یرجع إلى الشك بعد تجاوز المحل»، دلیلش این است که شک به حسب ظاهر، شک در صحت است اما به حسب مآل و مرجع، برمی‌گردد به شک در وجود؛ و شک در وجود مجرای قاعده‌ی تجاوز است. نتیجه این شد که اگر مورد و مجرای قاعده را خود نیت العصر قرار بدهیم، چه شخص خودش را فعلاً در حال عصر بداند و چه نداند، نمازش باطل است؛ چون نیت العصر، لیس لها محلّ مقررّ شرعاً؛ چیزی که محلّ شرعی ندارد، تجاوز در آن معنا ندارد؛ اما اگر مورد و مجرای نفس الاجزاء السابقه قرار دهیم و بگوئیم آیا اجزاء سابقه صحیحاً واقع شده یا نه؟ اینجا اگر بالفعل خودش را در حال عصر بداند، محل آن اجزاء گذشته است و شک می‌کند آیا این اجزاء را صحیحاً انجام داده یا نه؟ قاعده‌ی تجاوز می‌گوید صحیحاً انجام داده است. این نکته را نیز اضافه کنیم که ایشان هم باید این مبنا را داشته باشند که قاعده‌ی تجاوز منحصر به شک در وجود است و در شک در صحت جاری نیست؛ مگر اینکه شک در صحت برگردد به شک در وجود. آیا این فرمایش ایشان درست است یا نه؟

مناقشه در نظر مرحوم محقق خویی

اولین اشکال که بعضی از آقایان نیز در پایان بحث جلسه گذشته به آن پی‌بردند و و بعد از درس بیان کردند، این است که به مرحوم آقای خوئی عرض می‌کنیم: شما این اشکال محل، و تجاوز از محل و این جهات را درست فرمودید، اما آن اشکال ششمی که ما در دلیلیت قاعده‌ی تجاوز از مرحوم امام (رضوان الله علیه) نقل کردیم و مرحوم میرزا باقر زنجانی (قدس سره) - که ایشان هم رساله‌ای به قلم شریفشان در فروع علم اجمالی دارند - نیز این اشکال را بیان کردند، مبنی بر آن که قاعده‌ی تجاوز متوقف بر احراز عنوان است مثل اصالة الصحة، در اینجا جریان دارد. شما اگر بخواهید در این نماز قاعده‌ی تجاوز را جاری کنید، باید روشن باشد که این نماز، نماز عصر است؛ اگر ندانید این نماز چه عنوانی دارد، ظهر است، عصر است، فريضة است، یا نافله؟ و مردّد بین این عناوین باشد، مجالی برای اجرای قاعده‌ی تجاوز نیست. بنابراین، مناقشه اول در فرمایش ایشان آن است که عنوان در اینجا محرز نیست؛ لذا، قاعده تجاوز جریان پیدا نمی‌کند، نه در نیت العصریّه و نه در اجزاء سابقه. **اشکال دوم** نیز این است که ما در رساله‌ی قاعده‌ی فراغ و تجاوز، به نظریه کسانی که می‌خواهند شک در صحّت را به شک در وجود برگردانند، پنج اشکال وارد کردیم؛ و گفتیم که این عمل، به نظر ما کار غیر صحیحی است. شک در صحت یک آثاری دارد، و شک در وجود، آثار دیگری دارد؛ هر کدام مستقل از یکدیگرند. نمی‌توانیم بگوئیم بازگشت شک در صحت به شک در وجود است. پس، بر فتوای مرحوم محقق خویی نیز این دو اشکال وارد است و فتوای ایشان قابل قبول نیست.

بررسی دیدگاه مرحوم محقق عراقی و محقق خوانساری

نظر بعد، فتوای مرحوم محقق عراقی (اعلی الله مقامه الشریف) است. ایشان نظریه‌ای بیان کرده‌اند که مرحوم سید احمد خوانساری نیز در حاشیه‌ی عروه از ایشان که استادشان هست، تبعیت کرده است. اینان می‌گویند: کسی که در اثناء نماز شک می‌کند آیا نمازش، نماز ظهر است یا عصر؟ و یقین دارد که قبلاً نماز ظهر را به‌جا آورده است، باید احتیاط کند؛ حق ندارد نمازش را قطع کند. قطع نماز حرام است. این شخص باید احتیاطاً نمازش را تمام کند، و سپس، یک نماز به قصد ما فی الذمه به‌جا آورد. تعبیر ایشان در حاشیه عروه این است: «الأحوط الإتمام ثمّ الإعادة». مرحوم عراقی در الدرر الغوالی دو راه برای احتیاط ذکر می‌کنند؛ به این صورت که: 1) **بإتمام ما بیده و إتيان صلاة اخرى بقصد ما فی الذمة**، آنچه را که مشغول انجامش هست، تمام کند؛ و بعد یک نماز دیگر به قصد ما فی الذمه بیاورد؛ و 2) **بإعادة الأجزاء السابقة ثانياً بعنوان العصر قبل الإتيان بالمنافى و إتمامها عصراً**؛ درست است که این شخص به وسط نماز رسیده، اما دوباره از اول الله اکبر بگوید، و اجزاء سابقه را به عنوان صلاة العصر بیاورد و نماز را به عنوان نماز عصر تمام کند؛ اگر منافی نماز در اینجا انجام نداده است. سپس، می‌فرمایند: **بناءً على جواز اقحام صلاة في صلاة من جهة السلام الذي هو كلام الآدميين**؛ فقها در کتاب الصلاة عنوان «اقحام الصلاة في الصلاة» را دارند؛ و موردش این است که اگر کسی در حال خواندن نماز آیات است و دید وقت ضیق شده و نماز یومیه‌اش قضا می‌شود، در وسط نماز آیات - البته اگر منافی انجام نداده باشد - الله اکبر بگوید، و نماز یومیه‌اش را بخواند و بعد از اتمام نماز یومیه، نماز آیات را ادامه بدهد.

حال، آیا اقحام صلاة في الصلاة درست است یا نه؟ از یک طرف در نماز سلام وجود دارد که فقها می‌گویند کلام آدمی است و جزء نماز نیست؛ عنوان ذکر را ندارد، عنوان دعا را ندارد، لذا مخالف با قاعده است. لذا، گفتند **اقحام صلاة في الصلاة مخالف للقاعدة و يقتصر على موضع النصّ**، که شاید در مورد نماز آیات باشد. این هم یک بحثی است که آیا اقحام صلاة في الصلاة درست است یا نه؟ پس، احتیاط به دو صورت است. یک راه این است که شخص، نمازش را تمام کند، و بعد از نماز، استیناف کند به قصد ما فی الذمه. و راه دوم این که اگر گفتیم اقحام صلاة في الصلاة صحیح است، بدون آنکه نماز را قطع کند، از اول الله اکبر بگوید و اجزای سابقه نماز را بیاورد و نمازش را به عنوان نماز عصر تمام کند. عبارتی که خود عراقی در حاشیه دارد روی همین فرض جواز اقحام صلاة في الصلاة می‌فرماید نه، از زمان شک، دو رکعت نماز بعنوان العصر بیاورد و نماز را به

عنوان عصر تمام کند؛ یعنی هرچند از اول هم نیت ظهر کرده باشد، اما حالا دو رکعت به عنوان العصر ضمیمه کند و آن را تمام کند. پس، این را دقت کنید که بناء بر جواز اتمام صلاة فی الصلاة دو تعبیر در کلمات آمده است: یکی اینکه وسط نماز دوباره الله اکبر بگوید و نماز را به نیت العصر تمام کند؛ دوم اینکه از زمان شک، دو رکعت به عنوان نماز عصر بیاورد و نماز را تمام می‌کند؛ هرچند که از اول نماز هم به عنوان الظهر بوده است.

این فتوای مرحوم محقق عراقی است. اما سؤال این است که ریشه کلام مرحوم عراقی چیست؟ مرحوم محقق عراقی می‌گوید اینجا علم اجمالی داریم به این که از یک طرف قطع الصلاة حرام است؛ می‌دانیم وسط نماز، کسی اختیاراً و بدون اضطرار نمی‌تواند نمازش را قطع کند و این کار حرام است؛ از طرف دیگر، قاعده‌ی اشتغال می‌گوید شما که نمی‌دانی این نماز را به چه نیتی آوردی، نمازت که تمام شد، برای برائت یقینی باید آن را اعاده کنی. ما می‌دانیم یک خطاب منجزی اینجا به برکت علم اجمالی وجود دارد؛ لذا، این علم اجمالی سبب می‌شود که بگوئیم الاحوط الاتمام ثم الاستیناف. صفحه‌ی 7 روائع الامالی را ببینید، مرحوم عراقی در متن یک مطلبی دارد، اما در حاشیه می‌گوید آنچه که در متن نوشته‌اند نظرشان برگشته است. مرحوم آقای خوئی در کتاب مستند ظاهراً نسبت به علم اجمالی ایشان تعرضی نکرده، اما در الدرر الغوالی، کلام مرحوم عراقی را آورده و رد می‌کنند؛ مرحوم شیخ مرتضی حائری نیز در کتاب خلل الصلاة صفحه‌ی 472، متعرض کلام مرحوم عراقی شدند. این مطالب را ببینید، ان شاء الله جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين.